

The effect of cultural structuring on the cultural action of legitimacy among faculty members of Payam Noor University

Alireza Mokhtari

Department of Cultural Sociology, Central Tehran Branch,
Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Reza Fazel

Department of Cultural Sociology, Islamic Azad University,
Central Tehran Branch, Tehran, Iran. (Corresponding Author)
r.fazel@iauctb.ac.ir

Firouz Rad

Department of Social Sciences, Payame Noor University. Tehran Iran.
rad_۲۹۱@yahoo.com

Abstract

Legitimacy is the importance that people attach to the law. According to research, its non-acceptance is a social issue in Iran, and considering the cultural diversity in the country, one of the causes of legality can be related to cultural structuring. The research method is descriptive in terms of its purpose, and it is a cross-sectional survey, and to achieve the research objectives, a mixed research method has been used. In the qualitative research method, using the Delphi method, ۱۷ people have been selected as a statistical sample to review sources, documents and interviews. And in the quantitative method, the hypotheses have been examined by developing a questionnaire and the quantitative method of structural equations. The statistical population is all faculty members of Payam Noor University with a sample size of ۳۵۱ people based on Morgan's table and cluster sampling by covering all ethnicities, the data has been analyzed with Spss and Amos software. The findings of the research show that the level of compliance with legality is the result of the interaction of belief in legality between activists, ethnic groups and the system under the influence of Iranian and local culture. And the non-compliance is the result of the influence of the social system

and the strengthening of the law-abiding personality system. The structuring of Islamic culture, the findings show that Islamic action has had an impact on the belief in legality and respect for it, which is related to the theories of Parsons and Piaget. Western action influenced by norms has caused action that is related to the theories of Anderson and Merton. In Iranian structuring, action influenced by resources and belief in legality has an effect on the influence of the system, which is related to the theories of Hirschi and Parsons. and based on local structuring, action influenced by norms and sources and belief in legitimacy is influenced by sources and action is influenced by belief in legitimacy. The effects of the system also cause the creation of law-abiding characters that are related to Briton and Cohen's theories. Be and separate language, in Persian language cultural structure: Iranian and local, in Turkish: local, in Lori and Kurdish: Iranian, Balochi: Islamic, Arabic and Turkmen is also based on the local, Islamic and Western structure of legalization action.

Keywords: cultural action, legitimacy, cultural structuring, Islamic cultural structuring, Western cultural structuring, Iranian cultural structuring, local cultural structuring .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ساختاربندی فرهنگی و کنش فرهنگی

قانون پذیری: بررسی موردی اعضای هیئت علمی

علیرضا مختاری

گروه جامعه شناسی فرهنگی، واحدتهران مرکزی، دانشگاه آزاداسلامی، تهران، ایران.

armarm1393@gmail.com

رضا فاضل

گروه جامعه شناسی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحدتهران مرکزی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

r.fazel@iauctb.ac.ir

فیروز راد

گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور. تهران، ایران.

rad_291@yahoo.com

چکیده

قانون پذیری، اهمیتی است که افراد برای قانون قائل می‌شوند. عدم پذیرش آن بنا برپیشینه تحقیق به‌عنوان یک مسئله اجتماعی در ایران مطرح می‌باشد و با توجه به تنوع فرهنگی در کشور یکی از علل قانون پذیری می‌تواند به ساختاربندی فرهنگی مربوط باشد. روش تحقیق از نظر هدف توصیفی و مشخصاً پیمایش مقطعی بوده و برای رسیدن به اهداف تحقیق از روش تحقیق ترکیبی استفاده شده است. در روش تحقیق کیفی با استفاده از روش دلفی به بررسی منابع، اسناد و مصاحبه از ۱۷ نفر که به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شده‌اند و در روش کمی با تدوین پرسشنامه و روش کمی معادلات ساختاری، فرضیه‌ها بررسی شده است. جامعه آماری کلیه اعضای هیئت‌علمی دانشگاه پیام نور با حجم نمونه ۳۵۱ نفر بر اساس جدول مورگان و نحوه نمونه‌گیری خوشه‌ای با تحت پوشش قرار دادن تمام قومیت‌ها می‌باشد، داده‌ها با نرم‌افزار Spss و Amos مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. بر اساس یافته‌های تحقیق در بررسی ساختاربندی فرهنگ اسلامی نشان می‌دهد که کنش اسلامی بر اعتقاد به قانون پذیری و رعایت آن تأثیر داشته است که با نظریه‌های پارسونز و پیازه مرتبط می‌باشد در ساختاربندی غربی، اعتقاد متأثر از نظام و اعتقاد باعث اعتقاد و کنش شده و نیز عمل به کنش غربی متأثر از هنجارها باعث کنش شده است که با نظریه‌های آندرسون و مرتون مرتبط می‌باشد. در ساختاربندی

ایرانی، کنش متأثر از منابع و اعتقاد به قانون پذیری با تأثیرپذیری از نظام تأثیر داشته که با نظریه‌های هیرشی و پارسونز مرتبط می‌باشد و بر مبنای ساختاربندی محلی، کنش متأثر از هنجارها و منابع است و اعتقاد به قانون پذیری متأثر از منابع و کنش بر اعتقاد به قانون پذیری تأثیر داشته است. تأثیرات نظام نیز باعث ایجاد شخصیت‌هایی قانون‌گریز شده است که با نظریه‌های بریتون و کوهن مرتبط می‌باشد و به تفکیک زبانی، در زبان فارسی ساختاربندی فرهنگی: ایرانی و محلی، در ترکی: محلی، در لری و کردی: ایرانی، در بلوچی: اسلامی، در عربی و ترکمنی نیز بر مبنای ساختاربندی محلی، اسلامی و غربی، کنش قانون‌پذیری شکل یافته است. **واژه‌های کلیدی:** کنش فرهنگی، قانون‌پذیری، ساختاربندی فرهنگی، ساختاربندی فرهنگی اسلامی، ساختاربندی فرهنگی غربی، ساختاربندی فرهنگی ایرانی، ساختاربندی فرهنگی محلی.

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۳/۱۱ تاریخ بازبینی: ۰۱/۰۴/۲۹ تاریخ پذیرش: ۰۱/۰۴/۳۰
فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ۱۱، شماره ۳، پیاپی ۴۴، پاییز ۱۴۰۱،
صص ۱۰۵-۱۳۷



مقدمه و بیان مسئله

کنش فرهنگی کنشی است که در فرایند جامعه‌پذیری و تعامل متقابل اجتماعی در هر فرد به صورت متفاوتی نمود پیدا می‌کند و قانون‌پذیری می‌تواند به عنوان شاخصی از کنش اجتماعی مطرح گردد. قانون‌پذیری گرایشی است که اختیاری و با خواسته اکثر افراد از قوانین و مقررات انجام آن‌ها می‌باشد. قانون‌پذیری در جامعه به منزله گرایش آگاهانه و داوطلبانه و ارادی اکثریت مردم از قوانین و مقررات موجود و عمل به آن‌ها است (صداقت، ۱۳۸۴) و نیز می‌توان قانون‌پذیری را میزان اهمیتی دانست که شهروندان برای قانون قائل می‌شوند و با نمود شاخص‌هایی مانند: نگرش مثبت به قانون، کاهش ارتکاب جرائم و تخلفات، افزایش مشارکت اجتماعی و افزایش انسجام و وحدت اجتماعی قابل‌شناسایی است (محسنی، ۱۳۷۹، صفحه ۷۴). جامعه ایران به دلایل بسیاری مانند جوان بودن ساخت نسبی جمعیت ایران، بسط ارتباطات و گسترش تماس فرهنگی با دیگر جوامع و برخی تحولات اقتصادی-اجتماعی، گرفتار نوعی بیماری است که در بیان جامعه‌شناسی از آن به عنوان بی‌هنجاری یاد می‌شود. یکی از آثار آشکار شیوع بی‌هنجاری در جامعه، قانون‌گریزی و نظم‌گریزی است که در جامعه امروز ما به شکل گسترده ظاهر شده است (شجایی زند، ۱۳۷۹، صفحه ۴۴).

در کشور ایران میزان قانون‌شکنی (جرائم و تخلفات عینی و ثبت‌شده) و قانون‌گریزی (ذهنیت منفی افراد درباره قانون و تمایل نداشتن به پایبندی به قانون) زیاد است. بر اساس گزارش سایت پروژه جهانی عدالت در سال ۲۰۲۰ که حاکمیت قانون را در ابعاد نبود فساد، رشوه و اختلاس، نبود جرم و میزان عدالت حقوقی و کیفری می‌سنجد، شاخص حاکمیت قانون برابر با ۴۳٪ است و کشور ایران در میان بیست کشوری قرار دارد که در این شاخص در سطح پایین قرار گرفته است (چلبی، ۱۳۹۸: صفحه ۲۳).

ساختار قانون‌پذیری، در این تحقیق به‌عنوان کنش فرهنگی در تعامل شاخص‌های نظام اعتقادی (اعتقاد به رعایت قانون‌پذیری در جامعه)، نظام شخصیتی (شخصیت ایجادشده بر مبنای قانون‌پذیری) و نظام اجتماعی (نظام اجتماعی تأثیرگذار) و نظام کنشی (کنش قانون‌پذیری) در تعامل همدیگر در نظر گرفته شده است. در فرایند جامعه‌پذیری هر فردی، رفتارهای گوناگون را می‌آموزد و با الگوهای رفتاری، نهادها و گروه‌ها آشنا می‌شود، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه را می‌شناسد و بر اساس آن‌ها ساختار فکری و فرهنگی خود را تشکیل می‌دهد و نسبت به امور و موضوعات مختلف نگرش‌ها، وجه‌نظرها، گرایش‌های خاص و به‌طور کلی ساختار فرهنگی خاصی پیدا می‌کند و ساختار فرهنگی منحصر به فرد هر فرد او را از دیگر انسان‌ها در کنش مقابل پدیده‌های مختلف، به صورت آشکار و نهان متمایز می‌سازد و ساختار بندی فرهنگی هر فرد در قالب اعتقادات، هنجارها، منابع و کنش‌های اعتقادی در ساختار هر جامعه‌ای به‌عنوان ساختار بندی فرهنگی هر فرد قالب‌بندی می‌شود. با توجه به تنوع فرهنگی در کشور یکی از علل کنش‌های مربوط به قانون‌پذیری می‌تواند به نحوه ساختار بندی فرهنگی مربوط باشد که در این تحقیق در چهار شاخص: اسلامی، غربی، ایرانی و محلی در نظر گرفته شده است. با توجه به اینکه اعضای هیئت‌علمی یکی از قشرهای تأثیرگذار در جامعه از لحاظ آموزش و تولید علم بوده‌اند می‌توانند نمونه مطلوبی از جامعه برای بررسی باشند. بدین صورت هدف اصلی تحقیق، شناخت تأثیر ساختار بندی فرهنگی اسلامی، غربی، ایرانی و محلی بر کنش فرهنگی قانون‌پذیری در بین اعضای هیئت‌علمی دانشگاه پیام نور کشور می‌باشد و مسئله اصلی این تحقیق این است که ساختار بندی‌های متفاوت فرهنگی در مسئله‌مند بودن کنش‌های فرهنگی قانون‌پذیری چه نقشی دارند.

۱- اهداف و پرسش‌های تحقیق:

شناخت تأثیر ساختاربندی فرهنگی بر کنش‌های فرهنگی اعضای هیئت‌علمی دانشگاه پیام نور هدف اصلی این تحقیق می‌باشد و سؤالاتی که بر اساس هدف اصلی مطرح می‌شوند به شرح ذیل می‌باشد:

- آیا ساختاربندی اسلامی بر کنش فرهنگی (قانون پذیری) تأثیر دارد؟
- آیا ساختاربندی غربی بر کنش فرهنگی (قانون پذیری) تأثیر دارد؟
- آیا ساختاربندی ایرانی بر کنش فرهنگی (قانون پذیری) تأثیر دارد؟
- آیا ساختاربندی محلی بر کنش فرهنگی (قانون پذیری) تأثیر دارد؟
- آیا متغیر(زبان) بر تأثیرگذاری ساختاربندی فرهنگی، بر کنش فرهنگی (قانون پذیری) نقش دارد؟

۲- فرضیه‌های تحقیق:

- بین متغیرهای ساختاربندی اسلامی و کنش فرهنگی (قانون پذیری) رابطه وجود دارد.
- بین متغیرهای ساختاربندی ایرانی و کنش فرهنگی (قانون پذیری) رابطه وجود دارد.
- بین متغیرهای ساختاربندی غربی و کنش فرهنگی (قانون پذیری) رابطه وجود دارد.
- بین متغیرهای ساختاربندی محلی و کنش فرهنگی (قانون پذیری) رابطه وجود دارد.
- بین متغیر مداخله‌گر(زبان) بر تأثیرگذاری ساختاربندی فرهنگی، بر کنش‌های فرهنگی تفاوت وجود دارد.

۳- پیشینه تجربی:

مایکل گودفرسون^۱ و هیرشی (۱۹۹۰) در تحقیق خود با عنوان نشانه‌های بزهکاری به این نتیجه رسیدند که ارتباط مثبت توأم با احترام به عقاید همسالان داشته و کسانی که ارتباط و پیوند بیشتری داشته‌اند کمتر مرتکب بزهکاری شده‌اند. در پایان

۱ - Michael Gottfredson

محققان نتیجه می‌گیرند که وجود پیوند و ارتباط قوی نقش مهمی در کاهش نرخ کج‌رفتاری ایفا می‌کند. نتایج تحقیق دگلاس لانکشر^۲ و همکاران (۲۰۰۴) که به مطالعه چهار بعد پیوند اجتماعی و ارتباط آن‌ها با سوءاستفاده و تخلف‌های مالی در تحقیق خود پرداختند نشان می‌دهد که ارتباط قوی بین چهار بعد پیوند اجتماعی با سوءاستفاده مالی وجود داشته است؛ به صورتی که پیوند ضعیف با قواعد و هنجارهای اجتماعی و اعتقاد پایین به قواعد و اعتقادات اخلاقی به‌طور قوی با سوءاستفاده مالی در ارتباط بوده و همچنین کم و کیف ارتباط با دوستان و میزان ارتباط نیز در میزان سوءاستفاده اقتصادی-مالی اثرگذار بوده است.

ماریان جانگر^۳ و همکاران (۱۹۹۷) در پژوهشی به بررسی نظریه کنترل اجتماعی و تأثیر پیوند اجتماعی بر نظم اجتماعی به این نتیجه رسیدند که در مرحله اول اعتقاد و باور ضعیف به قانون بستر و عامل مهم در شکل‌گیری بزهکاری در بین هر ۴ گروه می‌باشد. دوم، پیوند داشتن با خانواده و مدرسه در پیش‌بینی پذیر بودن بزهکاری مؤثر است. سوم نظارت پایین و ارتباطات ضعیف در خانواده اگر با تضاد زیاد و عملکرد بد در مدرسه همراه باشد، نرخ بزهکاری افزایش می‌یابد. چهارم اینکه، زمان فراغت ابزار مهمی جهت مشغولیت و درگیر شدن با جامعه و پیوند اجتماعی می‌باشد و موجب می‌شود تا افراد کمتر دست به فعالیت‌های غیرمعارف و خلاف عرف بزنند و در نتیجه شاهد کاهش بیشتر بزهکاری هستیم. لوژین کوان^۴ (۲۰۰۸) در پژوهش خود تحت عنوان «درباره دین و گرایش به قانون» به این نتیجه دست‌یافت که دین با محور قرار دادن آموزه‌های دینی به‌عنوان معیار و هنجار مطلوب رفتار، به تنظیم و کنترل رفتار و روابط اجتماعی طیف وسیعی از انسان‌ها پرداخته و با توجه به این قدرت بازدارندگی، از بروز آسیب‌های اجتماعی همچون قانون‌گریزی جلوگیری می‌کند. همچنین عقاید، باورها، احکام و مناسک دینی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر قانون‌گرایی و اطاعت از قوانین دارد؛ یعنی هرچه میزان دین‌داری افراد بیشتر شود، میزان عمل به قانون و پایبندی به آن در افراد نیز افزایش می‌یابد. برزگری و چهارگنبدی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی میزان قانون‌گریزی و عوامل مؤثر بر آن در شهر کرمان» به نتایجی رسیدند از جمله اینکه، عواملی مانند تبعیض در اجرای قوانین، احساس بی‌عدالتی، نگرش منفی به قوانین، نحو عملکرد

۲ - Douglas Longshore

۳ - Marianne Junger

۴ - LuoXin Quan

قانون‌گذاران، عدم ثبات قوانین و بی‌اعتمادی به مجریان قانون، بر میزان قانون‌گریزی افراد تأثیر مستقیمی دارد. حیدری و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «نظریه ازهم‌گسیختگی نهادی و قانون‌گریزی» نشان دادند که ازهم‌گسیختگی نهادی با قانون‌گریزی رابطه معنادار و مثبت دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که اثر فردگرایی و بت‌وارگی پول بر قانون‌گریزی معنادار است. محسنی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی قانون‌گریزی و راه‌کارهایی برای قانون‌گرایی و نظم عمومی» که در استان مازندران انجام داده است، به این نتیجه رسید که بین بی‌هنجاری، ضعف و خلأ قانونی، اجباری بودن قوانین، مشکلات اقتصادی و ویژگی‌های شخصیتی و قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود دارد. بهروان و بهروان (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی علل جامعه‌شناختی رفتارهای پرخطر در مشهد پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که بین نگرش مثبت به پلیس، رضایت از زندگی، احساس هویت ملی و دینی، سابقه و تجربه رانندگی و کاهش رفتارهای پرخطر رانندگی، رابطه‌ای معنادار وجود دارد. بهداروند (۱۳۹۵)، در تحقیقی تحت عنوان: «عوامل مؤثر در قانون‌گریزی در خانواده، مطالعه موردی: شهر اهواز» به این نتیجه رسید که کنترل اجتماعی در قانون‌گریزی ابزاری و اخلاقی، نظارت بر قوانین در قانون‌گریزی ابزاری و اخلاقی، اطاعت از قوانین در قانون‌گریزی ابزاری و اعتراضی، کارآمدی نهادهای قضایی و اجرایی در قانون‌گریزی ابزاری و اعتراضی و اخلاقی، ضمانت اجرایی قوانین در قانون‌گریزی ابزاری، اعتراضی، تأثیر دارد. روابط اجتماعی در قانون‌گریزی ابزاری و اعتراضی و اخلاقی، پیوند اجتماعی در قانون‌گریزی ابزاری و اعتراضی، آگاهی از قوانین در قانون‌گریزی ابزاری و اعتراضی، فردگرایی در قانون‌گریزی ابزاری و اعتراضی و اخلاقی، انسجام اجتماعی در قانون‌گریزی ابزاری و اعتراضی و اخلاقی تأثیر دارد. رعایت ارزش‌ها و هنجارهای جامعه در قانون‌گریزی اعتراضی و اخلاقی، تعهدات هنجاری در قانون‌گریزی ابزاری و اخلاقی، فرهنگ مردم‌سالار در قانون‌گریزی ابزاری و اعتراضی و اخلاقی، همدلی با دیگران در قانون‌گریزی ابزاری و اعتراضی و اخلاقی، مسئولیت‌پذیری در قانون‌گریزی اعتراضی و اخلاقی تأثیر دارد. رضایت اجتماعی در قانون‌گریزی ابزاری و اعتراضی، اعتماد به قوانین و مجریان در قانون‌گریزی ابزاری و اعتراضی و اخلاقی، مشروعیت قوانین در قانون‌گریزی ابزاری و اعتراضی و اخلاقی، رفاه اجتماعی در قانون‌گریزی ابزاری و اعتراضی و اخلاقی، احساس بی‌هنجاری در قانون‌گریزی ابزاری و اعتراضی و اخلاقی تأثیر دارد. میرزایی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان: «قانون‌گریزی و

پیوندهای اجتماعی از نظر هیرشی در مطالعه موردی: شهر اهواز» به این نتیجه رسیدند که میان متغیر پیوند اجتماعی با ابعاد قانون‌گریزی و شاخص ترکیبی کل قانون‌گریزی رابطه وجود دارد و بعد اعتقاد به اعتبار اخلاقی-هنجاری بالاترین سهم را در تبیین قانون‌گریزی به خود اختصاص می‌دهد؛ بدین‌صورت هرچقدر فرد حائز پیوندها و شبکه اتصال اجتماعی قوی با جامعه باشد، به همان نسبت قانون‌مند خواهد شد. سوهانیان (۱۳۹۸) در تحقیقی تحت عنوان: «تحلیل تطبیقی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی و قانون‌شکنی در استان‌های ایران مبتنی بر منطق فازی» به دنبال شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر قانون‌شکنی و قانون‌گریزی در بین استان‌های ایران است. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، با بررسی شروط علی مؤثر بر قانون‌گریزی در کل استان‌های کشور، ۲ مسیر (ترکیب) منجر به قانون‌گریزی مشاهده شد. در مسیر اول چهار شرط گرایش به نظم پایین، سردرگمی اجتماعی، باسوادی، و بیکاری در ترکیب با یکدیگر منجر به قانون‌گریزی می‌گردند، اما مسیر دوم از ترکیب ۵ شرط احساس عدالت پایین، گرایش به نظم پایین، سردرگمی اجتماعی، باسوادی، و شهرنشینی شکل می‌گیرد. پیراهری (۱۳۹۹) در تحقیق خود تحت عنوان: بررسی رابطه عوامل فرهنگی و اجتماعی با قانون‌گریزی در شهر سمنان بر اساس روش تحقیق پیمایشی است که از تکنیک پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه ساکنین شهر سمنان هستند که با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی تعداد ۲۴۸ نفر انتخاب شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد بین میزان اعتماد اجتماعی، میزان رضایت از زندگی با میزان قانون‌گریزی رابطه معنادار معکوس وجود دارد. همچنین بین میزان احساس انومی با قانون‌گریزی پاسخگویان رابطه معنادار مستقیم وجود دارد. شربتیان محمدحسن و همکاران (۱۴۰۰) در تحقیق خود تحت عنوان: تحلیل رابطه جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی (مورد مطالعه: جوانان ۲۰ تا ۳۴ ساله مناطق شهر مشهد) با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی از نوع پیمایشی جامعه بر اساس فرمول کوکران به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی ساده از ۵۰۰ نفر، به بررسی هدف خود پرداخته است؛ یافته‌ها حاکی از آن است که میانگین قانون‌گریزی متوسط رو به بالا به‌دست‌آمده است. بدین‌صورت نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که با افزایش اعتماد تعمیم‌یافته، مشارکت مدنی و پیوند و ارتباط با شهروندان در سطح جامعه، ارتقای آگاهی و بینش افراد نسبت به پیامدهای قانون‌گریزی، تقویت مؤلفه‌های دین‌داری در سطح زندگی و کاهش ابعاد فقر در سطح زندگی مردم، می‌توان رفتارهای منحرفانه و قانون‌شکنی را کنترل کرد و کاهش داد.

بررسی پیشینه‌های تحقیق حکایت از این دارد که مسئله‌ی کنش فرهنگی قانون‌پذیری، یکی از مسائل قابل توجه است و هریک از پیشینه‌ها به بعدی از مسئله توجه نشان داده‌اند بدین صورت که در اکثر پیشینه‌های تحقیق ابعاد: پیوند، کنترل، مشروعیت، نظم، عقاید و باورها، هنجارها، شخصیت، هویت، آنومی، فقر، آگاهی، عدالت، رضایت و اعتماد اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته‌اند و در مقاله‌ی حاضر با بهره‌گیری از پیشینه‌ها سعی شده است که موارد مطرح‌شده بر مبنای چارچوب نظری طبقه‌بندی‌شده و ابعاد مغفول مانده نیز در چهار نظام (اعتقادی، اجتماعی، شخصیتی و کنشی) مورد بررسی قرار گیرد.

۴- ملاحظات نظری

۴-۱- کنش فرهنگی

کنش فرهنگی تحت عنوان رفتار فرهنگی یک مفهوم جامعه‌شناختی دارد که برای اولین بار توسط پیر بوردیو^۵ به کار برده شده است، به نظر وی رفتار فرهنگی یعنی قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی در هر فرد دربرگیرنده تمایلات پایدار فرد است که در نتیجه اجتماعی شدن به وجود می‌آید. (Bourdieu, ۱۹۷۹: ۱۴) با توجه به انواع کنش در این پژوهش کنش فرهنگی در سطح رفتار فرهنگی در نظر گرفته شده است و قانون‌پذیری به عنوان کنشی که کنشگران در محیط اجتماعی نشئت گرفته از فرهنگ جامعه انجام می‌دهند، به عنوان کنش‌های فرهنگی در ابعاد نظام اعتقادی، نظام اجتماعی، نظام شخصیتی و نظام رفتاری مشخص شده است.

۱-۱-۴- قانون‌پذیری:

قانون‌پذیری از دیدگاه‌های روان‌شناختی، رفتاری، انسان‌گرایی، تحولی، رفتارگرایی، تربیتی و رهیافت مسائل و آسیب‌های اجتماعی قابل بررسی است که در این تحقیق از دیدگاه‌های: روان‌شناختی، تحولی و رهیافت آسیب‌های اجتماعی استفاده شده است

۵ - Pierre Bourdieu

۱- دیدگاه روان‌شناختی: به نظر آندرسون^۶، افراد بزهدکار دارای خصوصیات شخصیتی قانون‌ستیزی می‌باشند. درحالی‌که افراد هم‌نوا با قانون صفت قانون‌گرایی را نشان می‌دهند.

۲- دیدگاه تحولی: در دیدگاه ژان پیاژه^۷ اگر فردی بتواند رشد شناختی قلبی قبولی داشته باشد شرایط مطلوب جهت رشد جنبه‌های دیگر نیز مهیا می‌شود.

۳- رهیافت مسائل و آسیب‌های اجتماعی:

در بررسی قانون‌پذیری از دیدگاه جامعه‌شناسی می‌توان آن را با نظریه‌های امیل دورکیم^۸، تالکوت پارسونز^۹، رابرت مرتون^{۱۰}، آلبرت کوهن^{۱۱}، تراوس هیرشی^{۱۲}، جو بریتویت^{۱۳} تبیین نمود.

از دیدگاه امیل دورکیم در زمانی که هنجارهای جامعه نفوذ خود را در رفتارهای افراد جامعه از دست بدهد و یا اینکه این هنجارها تضعیف شوند آنومی در جامعه ایجاد می‌شود (معیدفر، ۱۳۷۹: صفحه ۱۹۴).

پارسونز ساخت اجتماعی را در قالب نقش‌ها مشخص می‌نماید که کنشگران را به دلیل هنجارها، منابع و ارزش‌های همسان در یک جامعه گرد هم می‌آورد و کنش‌هایشان را در ساخت اجتماعی خود قابل‌تعریف می‌کند (Mann, ۱۹۸۳: ۳۶۷). مرتون عدم رعایت قانون در جامعه را مسئله اجتماعی می‌داند که از ساخت اجتماعی جامعه به وجود می‌آید و حاصل ناهماهنگی بین اهداف جامعه و وسایل و ابزارهایی است که در جامعه برای رسیدن به اهداف مشخص وجود دارد (فتح الهی & دیگران، ۱۳۷۸: صفحه ۲۳۰). کوهن مدعی است که تمایل خرده‌فرهنگ‌ها به دلیل نبود ابزارهای کامل بر قانون‌گریزی نیز افزایش می‌یابد. (Cohen A: ۱۹۹۵). به نظر هیرشی اگر مردم پیوندهای خود را با خانواده، همکلاسی‌ها، مدرسه، مذهب و سایر نهادهای اجتماعی داشته باشند، تمایل افراد به رعایت قانون نیز افزایش خواهد داشت. (Hirschi, ۱۹۶۹: ۱۶-۲۶). بریتویت مدعی است که در جوامع سنتی جایی که روابط متقابل اجتماعی قوی‌تری وجود دارد و فردگرایی ضعیف است، شرم‌منده‌سازی

۶ - Anderson

۷ - Jean Piaget

۸ - Emil Durkheim

۹ - Talcott Parsons

۱۰ - Robert Merton

۱۱ - Albert Cohen

۱۲ - Travis Hirschi

۱۳ - Joh Braithwaite

به‌عنوان عاملی مؤثر در پیوند اجتماعی عملی می‌کند و مانع کج‌رفتاری می‌شود و می‌تواند در پذیرش قانون نیز نقش مؤثری داشته باشد (Braithwaite: ۱۹۸۹).

۲-۴- ساختار بندی فرهنگی ایرانیان (تلفیق نظریه‌های گافمن، پیتر بلاو، گیدنز و احمد اشرف)

در رهیافت نظری برای تدوین الگوی تشکیل ساختار به‌صورت کلی و ساختار بندی به‌صورت خاص از ساختارگرایی گافمن^{۱۴}، نظریه ساختاری پیتر بلاو^{۱۵} و نظریه ساختار بندی^{۱۶} آنتونی گیدنز^{۱۷} استفاده شده است و نیز جهت تطبیق مدل تلفیقی در شرایط مکانی با (کنشگران ایرانی) از مدل سه هویتی احمد اشرف استفاده شده است.

۱-۲-۴- ساختارگرایی گافمن

بر اساس دیدگاه گافمن ساختار کنش از ابعاد تعامل، خود و تجربه شکل گرفته است؛ بدین‌صورت که ساختار تعامل را می‌توان نشست گرفته از ساختارهای پایدار روزانه طرح نمود که از تعامل ساختارهای ابعاد مبادله اصلاحی، احوال‌پرسی و مبادله همدلانه شکل گرفته است و بدین‌صورت ساختار خود از تمایزات تفکیک شخصیتی، انتظارات سازمانی و هویت آگاه تشکیل شده است و ساختار تجربه نیز در سازمان‌دهی، تفسیر اطلاعات، هم‌فهمی در شرایط و الزامات اجتماعی شکل می‌گیرد. (Giddens A., ۱۹۸۹: ۱۸)

۲-۲-۴- نظریه ساختاری پیتر بلاو

بلاو ساختار کنش را در ابعاد صورت‌های اجتماعی و کنش فردی مطرح می‌نماید که در تکوین کنش نقش دارند، بدین‌صورت که درک جهان اجتماعی، تعامل بین هم‌گروهی‌های اجتماعی و تحرک را ایجاد می‌نماید و بر اساس آن جایگاه اجتماعی صورت‌های اجتماعی را شکل می‌دهد و از طرفی تمایزات موجود بین عوامل اسمی و ساختاری تمایزات ساختاری را ایجاد می‌کند و بدین‌صورت کنش فردی ایجاد شده و عاملی در ساختار کنشی محسوب می‌شود. (Blau, ۱۹۶۴: ۲۲۲-۲۲۳).

۱۴ -Goffman

۱۵ -Peter Blu

۱۶ -structuration

۱۷ -Anthony Giddens

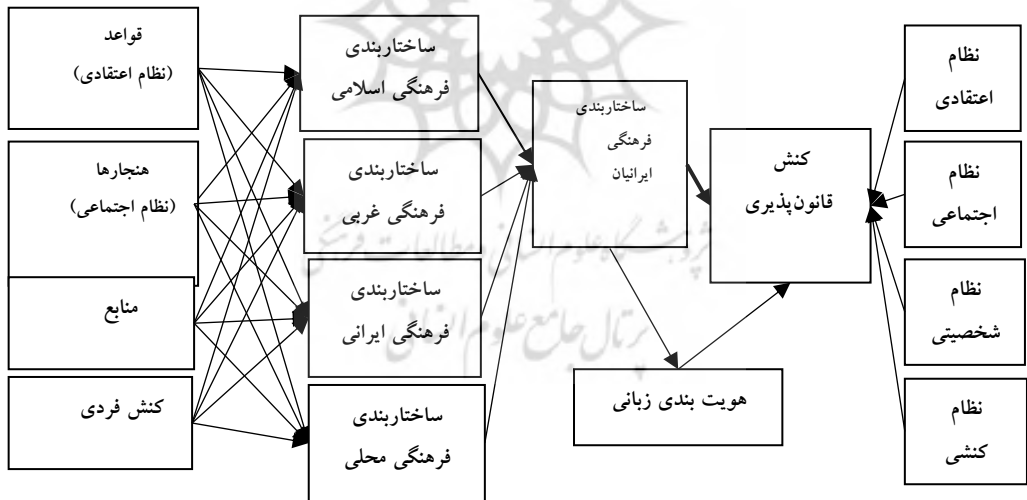
۳-۲-۴- نظریه ساختاربندی^{۱۸} آنتونی گیدنز^{۱۹}

ترسیم ساختاربندی در دیدگاه گیدنز در پهنه عملکردهای اجتماعی می باشد که در فرایند زمانی و مکانی شکل می یابد و بدین صورت کنش های اجتماعی نیز خود از ساختاری تشکیل یافته اند و هر ساختاری جهت بقای خود به کنش اجتماعی نیازمند است. بدین صورت کنشگران و ساختار در عملکردهای اجتماعی به هم تنیده هستند (Giddens A., ۱۹۸۴: ۹).

۴-۲-۴- نظریه تطبیقی احمد اشرف در ترسیم ساختار هویتی ایرانیان

در دیدگاه احمد اشرف سه ساختار تفکری در بین ایرانیان باعث ایجاد و تکوین سه هویت متفاوت گردیده است که به صورت تاریخی و در فرایند زمان می توان آن را در قالب تفکر ملت پرستانه ملی و قومیتی، تفکر نشئت گرفته از تفکرات مدرن و پست مدرن فرهنگ غربی و تفکر اسلامی دسته بندی نمود که هر کدام در شکل گیری هویت ایرانیان نقشی داشته است (اشرف، ۱۳۹۵ صفحه ۲).

۳-۴- شکل ۱، مدل مفهومی تحقیق (منبع: محققان تحقیق)



بر اساس شکل شماره: ۱ مدل مفهومی تحقیق، بر اساس متغیر وابسته تحقیق که بر مبنای استفاده مستقل از نظریه های اندرسون، پیازه، پارسونز، مرتون، هیرشی،

۱۸-structuration
۱۹-Anthony Giddens

چمبلیس، بریتونت و کوهن و پیشینه تحقیقات انجام یافته در چهار شاخص نظام اعتقادی می باشد که حاکی از اعتقاد به قانون پذیری در هر فرد و نظام شخصیتی بر مبنای شخصیت تکوین شده بر مبنای قانون پذیری بوده است و نظام اجتماعی که نشانگر نظم و مقررات اجتماعی جامعه می باشد و نظام کنشی نیز مبنای تعامل سه نظام مطرح شده تدوین شده است. در تدوین متغیرهای مستقل تحقیق که نشانگر فرضیه های تحقیق نیز می باشد، ساختار بندی فرهنگی که با تلفیق نظریه های گافمن، پیتر بلاو، گیدنزو احمد اشرف تدوین شده است، بدین صورت که بر اساس نظریه های مورد نظر می توان گفت که ساختار بندی فرهنگی ایرانیان در فرایند تاریخی و اجتماعی خود در چهار نوع تکوین شده است که هر کدام نیز در درون خود دارای نظام اعتقادی منحصر به خود هستند که بر مبنای آن هنجارها و ارزش های خود را در جامعه ایجاد و بسط داده است؛ همچنین منابع مادی و معنوی خود را نیز در جامعه بر ای بقای خود ایجاد نموده و بر مبنای دو شاخص نظام اعتقادی از هنجارها و ارزش های خود محافظت کرده است و نیز نظام کنشی افراد که ناشی از تعامل سه شاخص قبلی بوده و باعث ایجاد و تقویت آن گردیده است.

۵- روش تحقیق

با توجه به گستردگی تحقیق از لحاظ نظری و جامعه آماری مورد بررسی و اینکه این تحقیق در پی بررسی فرضیه ها و مدل تدوین یافته پژوهش می باشد، از لحاظ هدف از نوع تحقیقات توصیفی و مشخصاً پیمایش مقطعی است. برای رسیدن به اهداف تحقیق، روش این پژوهش یک روش ترکیبی است که هم از روش کیفی و هم از روش کمی استفاده شده است. شیوه گردآوری داده ها نیز استفاده از روش دلفی و پیمایشی (پرسشنامه) می باشد. از شیوه دلفی به این دلیل استفاده شده که با استفاده از نظرات متخصصان شاخص سازی متغیرها به صورت مناسب انجام پذیرد و از هم پوشی شاخص های تعریف شده نیز جلوگیری گردد. جامعه نمونه در این تحقیق در بخش دلفی بر اساس نمونه گیری غیر احتمالی هدفمند می باشد که تعداد ۱۷ نفر از اعضای هیئت علمی تمام وقت دانشگاه های پیام نور کشور ایران در رشته های علوم انسانی بوده است. در استفاده از روش دلفی در سه دور به بررسی متغیرها پرداخته شده است در دور اول عواملی که توسط محقق شناسایی نگردیده بودند توسط اعضای پانل پیشنهاد گردیدند و با حذف عوامل نامربوط و هم پوش مؤلفه های اصلی مشخص گردید. سپس در دور دوم، این مجموعه عوامل برای تعیین میزان

اهمیت در اختیار اعضای پانل قرار گرفت، در دوره‌های سوم نظر اعضا درباره عواملی که در دوره‌های اول و دوم مهم تشخیص داده شده بودند مجدداً دریافت شد. انجام روش دلفی پس از انجام دور سوم و دستیابی به اتفاق نظر مطلوب بر اساس میزان ضریب هماهنگی کندال حاصل شده جمع‌بندی گردید. و بر اساس آن پرسشنامه تحقیق تدوین شده است که در جدول ۱ و شکل‌های ۲ و ۳ گویه‌های تعریف‌شده مربوط به شاخص‌های موردبررسی متغیرها نشان داده شده است.

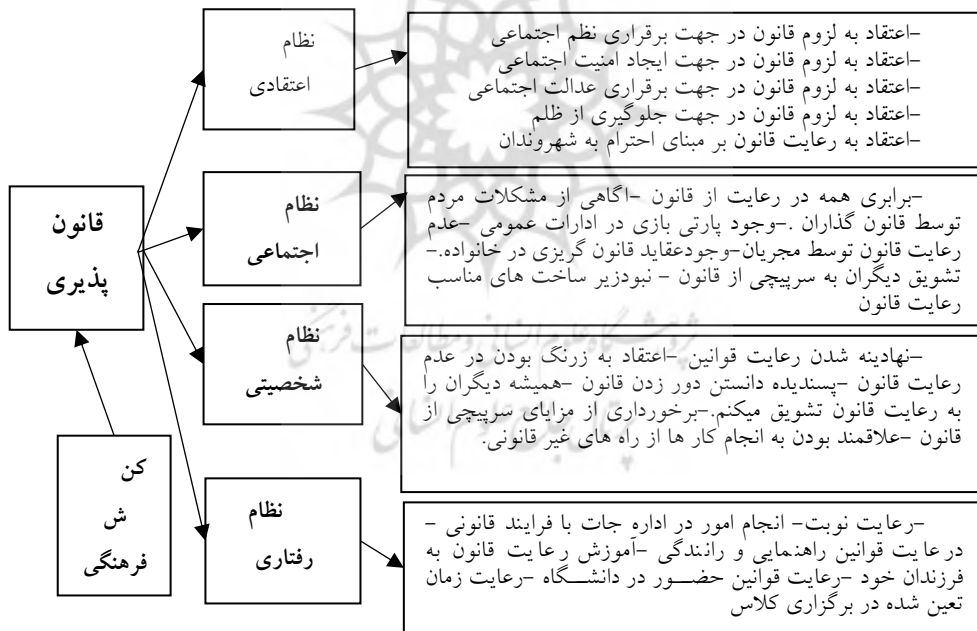
جدول ۱ ضریب هماهنگی کندال برحسب عوامل شاخص بندی شده در سه دور

عوامل موردبررسی	ضریب کندال در دور اول	ضریب کندال در دور دوم	ضریب کندال در دور سوم
ساختار بندی فرهنگی اسلامی	.۴۲	.۵۷	.۶۴
ساختار بندی فرهنگی غربی	.۴۱	.۵۲	.۶۵
ساختار بندی فرهنگی ایرانی	.۴۴	.۴۸	.۶۱
ساختار بندی فرهنگی محلی	.۳۸	.۴۳	.۶۶
کنش فرهنگی قانون پذیری	.۴۲	.۵۳	.۶۸

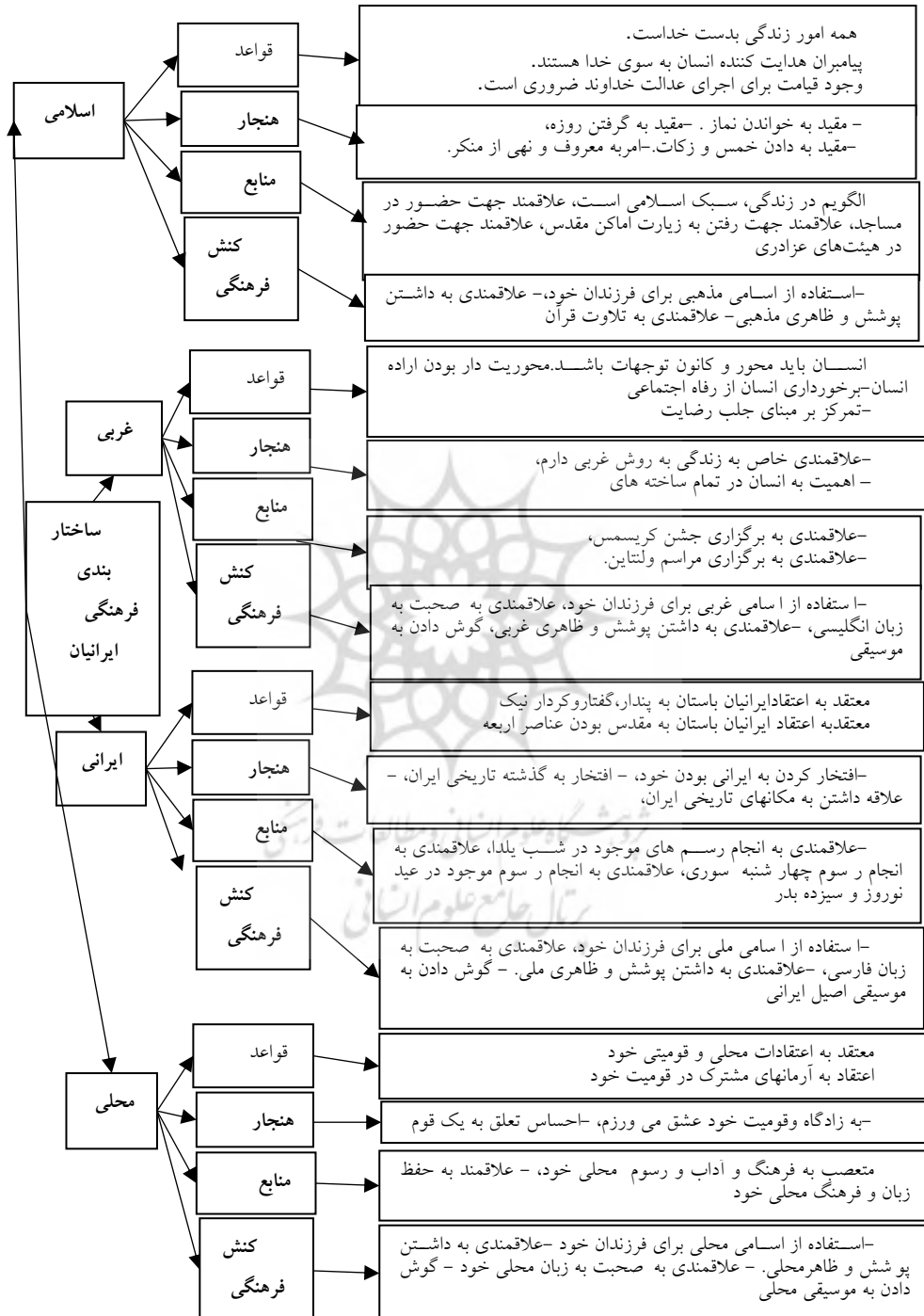
بر اساس نتایج به دست آمده از جدول شماره ۱ می‌توان گفت که میزان ضریب کندال با توجه به پایین بودن آن در دور اول با حذف شاخص‌های کمتر از ۵۰ درصد میانگین در دور دوم افزایش یافته است و در دور سوم با همگن سازی نتایج نیز مقدار ضریب کندال افزایش یافته است. با توجه به گستردگی جامعه آماری و پراکندگی آن در سطح کشور، جامعه آماری این تحقیق شامل همه اعضای هیئت علمی دانشگاه پیام نور می‌باشند که بر اساس آمار اعلام شده، اعضای هیئت علمی ۳۹۰۰ نفر می‌باشند. با استفاده از جدول مورگان ۳۵۱ نفر از مراکز و واحدهای پیام نور به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند بدین صورت که از ۳۱ استان، با استفاده از فن‌های نمونه‌گیری خوشه‌ای با تحت پوشش قرار دادن تمام قومیت‌های کشور ۱۶ استان به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند و با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نمونه موردبررسی انتخاب شده است. بدین صورت که از استان آذربایجان شرقی ۲۴ نفر، آذربایجان غربی ۱۵ نفر، خراسان رضوی ۴۲ نفر، اردبیل ۱۲ نفر، خرم‌آباد ۱۵ نفر، تهران غرب ۵۷ نفر، تهران جنوب ۴۸ نفر، اصفهان ۳۶ نفر، شیراز ۳۰ نفر، تربت جام ۹ نفر، مهاباد ۹ نفر، سنندج ۱۵ نفر، زاهدان ۱۵ نفر، اهواز ۶ نفر، ساری ۹ نفر و رشت ۹ نفر انتخاب گردید و با استفاده از تکنیک‌های نمونه‌گیری تصادفی ساده نمونه آماری انتخاب گردید. در جمع‌آوری

داده‌ها از دو روش پرسشنامه برخط و فیزیکی استفاده شده است، بدین صورت که پرسشنامه تدوین شده در محیط پرسشنامه ساز فرمال و طراحی گردیده و با هماهنگی از نمونه‌های انتخاب شده لینک پرسشنامه جهت تکمیل در اختیار نمونه آماری قرار داده شده است. در تکمیل پرسشنامه‌های فیزیکی نیز با حضور در مراکز و واحدهای دانشگاهی، داده‌ها جمع‌آوری شده است. در مورد اعتبار وسیله اندازه‌گیری، از نظرات داوران خارجی بهره گرفته شده است و در بررسی روا پرسشنامه نیز با توجه به استاده از طیف لیکرت از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده گردیده است که مقدار آلفای کرونباخ ۰/۸۵، مشخص گردید. در مرحله تجزیه و تحلیل داده‌ها با توجه به پراکندگی شاخص‌های مورد بررسی در متغیرهای وابسته و نیز در متغیرهای مستقل جهت بررسی فرضیه‌های تحقیق از روش معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار spss و amos داده‌ها مورد تحلیل آماری استفاده شده است.

شکل ۲، تعریف عملیاتی متغیرهای مربوط به متغیرهای وابسته (قانون‌پذیری)



شکل ۳، تعریف عملیاتی متغیرهای مربوط به متغیرهای مستقل (ساختار بندگی فرهنگی)



۶- یافته‌ها

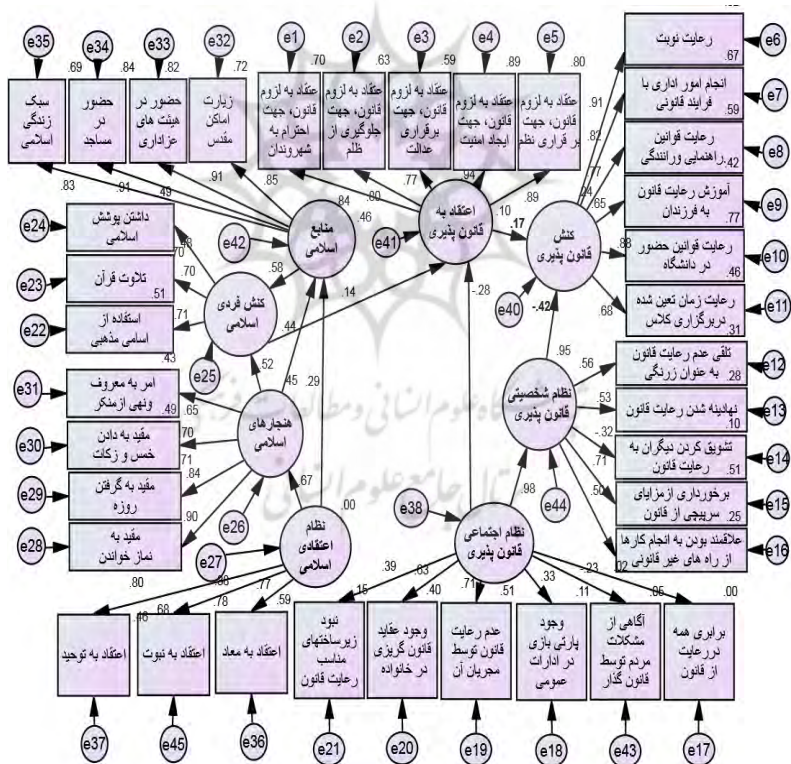
در این بخش فرضیه‌های تحقیق به تفکیک، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱-۶- بین متغیرهای ساختاربندی اسلامی و کنش فرهنگی (قانون

پذیری) رابطه وجود دارد.

با توجه به اینکه متغیر ساختاربندی اسلامی و کنش فرهنگی (قانون پذیری) به متغیرهای متعدد شاخص بندی شده‌اند جهت بررسی رابطه بین این متغیرها از معادلات ساختاری استفاده شده است که نتایج آن در شکل ۴ و جدول شماره ۲ نشان داده می‌شود.

شکل ۴: بررسی فرضیه رابطه بین متغیرهای ساختاربندی اسلامی و کنش فرهنگی (قانون پذیری)



جدول ۲، شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل ساختاری: بررسی ساختاربندهی فرهنگی اسلامی بر قانون پذیری

مقدار کای (chi)	سطح معنی‌داری کای (sig- chi)	نسبت کای به درجه آزادی (chi /df)	ریشه میانگین مربعات (Rmse)	مطلوبیت برازش (Gfi)	مطلوبیت برازش تعدیل‌یافته (AGfi)	برازش هنجار یافته (Nfi)
۱۴/۷۴	۰/۴۷	۰/۹۸	۰/۰۰۰	۰/۹۸۹	۰/۹۷۳	۰/۹۸۵

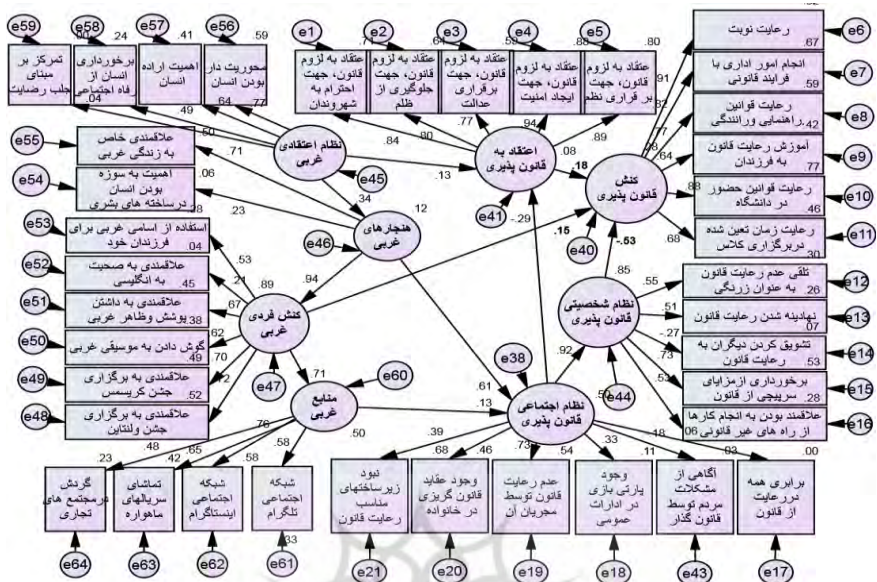
بر اساس اطلاعات به دست آمده از جدول شماره ۲ می‌توان گفت که برازش داده‌ها به مدل برقرار می‌باشد و در نتیجه از تمامی شاخص‌ها این طور استنباط می‌شود که مدل پژوهش برازش مطلوبی دارد. بر اساس شکل شماره ۴ می‌توان گفت که اعتقاد به قانون پذیری با ضریب رگرسیونی ۰/۱۷، برکنش قانون پذیری تأثیر مثبت داشته است و نظام شخصیتی حاکم بر قانون پذیری نیز رابطه منفی و معکوس با کنش قانون پذیری برابر با ۰/۴۲- می‌باشد و نظام اجتماعی بر قانون پذیری نیز با ضریب ۰/۹۸، نقشی مستقیم در منفی بودن تأثیر نظام شخصیتی برکنش قانون پذیری داشته است. در رابطه بین اعتقاد به قانون پذیری و کنش قانون پذیری می‌توان بیان نمود که کنش فردی اسلامی با تأثیرگذاری ۰/۱۴، و متأثر از منابع اسلامی با ۰/۵۸، که خود متأثر از پایبندی به هنجارهای اسلامی با ۰/۴۴، و نظام اعتقادی با ۰/۲۹، بوده است و نیز هنجارهای اسلامی با ۰/۵۲، بوده است و نظام اعتقادات اسلامی نیز بر پایبندی به هنجارهای اسلامی با ۰/۶۷، و منابع اسلامی با ۰/۲۹، برکنش قانون پذیری تأثیر داشته است.

۲-۶- بین متغیرهای ساختاربندهی غربی و کنش فرهنگی (قانون پذیری)

رابطه وجود دارد.

با توجه به اینکه متغیر ساختاربندهی غربی و کنش فرهنگی (قانون پذیری) به متغیرهای متعدد شاخص بندهی شده‌اند جهت بررسی رابطه بین این متغیرها از معادلات ساختاری استفاده شده است که نتایج آن در شکل ۵ و جدول شماره ۳ نشان داده می‌شود.

شکل ۵، بررسی فرضیه: رابطه بین متغیرهای ساختاربندی غربی و کنش فرهنگی (قانون پذیری).



جدول ۳، شاخص‌های ارزیابی کیفیت مدل ساختاری: بررسی ساختاربندی فرهنگی غربی بر قانون پذیری

مقدار	سطح	نسبت کای	ریشه	مطلوبیت	مطلوبیت	برازش
۱۷/۶۸	۰/۰۶	۱/۷۷	۰/۰۴۹	۰/۹۸۷	۰/۹۵۲	۰/۹۸۸
کای	معنی داری	به	درجه	میانگین	برازش	برازش
کای	کای	آزادی	مربعیات	(Gfi)	تعدیل یافته	یافته
(chi)	(sig- chi)	(chi/df)	(Rmsea)		(AGfi)	(Nfi)

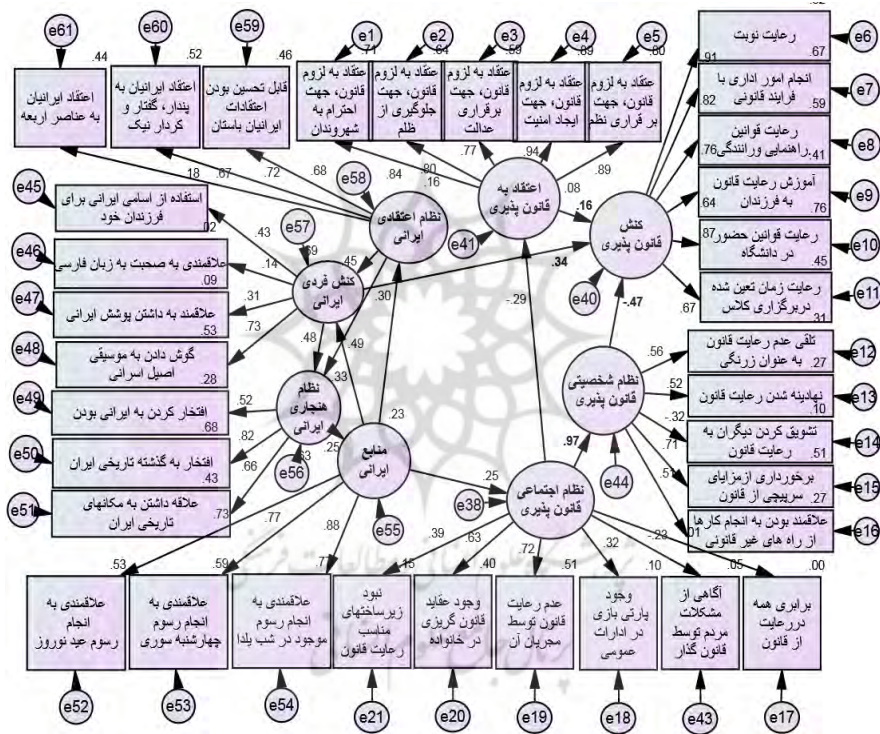
بر اساس اطلاعات به دست آمده از جدول شماره ۳ می‌توان گفت که برازش داده‌ها به مدل برقرار می‌باشد و در نتیجه از تمامی شاخص‌ها این‌طور استنباط می‌شود که مدل پژوهش برازش مطلوبی دارد. بر اساس شکل شماره ۵ می‌توان گفت که: نظام شخصیتی قانون پذیری با ۵۳٪- با تأثیر پذیری از متغیر نظام اجتماعی با ضریب رگرسیونی ۰/۹۲، بر کنش قانون پذیری تأثیر منفی داشته است. نظام اعتقادی به قانون پذیری با ضریب ۰/۱۸، متأثر از تأثیر منفی نظام اجتماعی با ۰/۲۹-، و تأثیر نظام اعتقادی با ضریب ۰/۱۳، بر کنش قانون پذیری تأثیر داشته است و کنش فردی غربی نیز با ضریب ۰/۱۵، متأثر از تأثیر پایبندی به هنجارهای غربی با ۰/۹۴، بر کنش قانون پذیری تأثیر داشته است.

۳-۶- بین متغیرهای ساختاربندی ایرانی و کنش فرهنگی (قانون پذیری)

رابطه وجود دارد.

با توجه به اینکه متغیر ساختاربندی ایرانی و کنش فرهنگی (قانون پذیری) به متغیرهای متعدد شاخص بندی شده‌اند جهت بررسی رابطه بین این متغیرها از معادلات ساختاری استفاده شده است که نتایج آن در شکل ۶ و جدول شماره ۴ نشان داده می‌شود.

شکل ۶، بررسی فرضیه: رابطه بین متغیرهای ساختاربندی ایرانی و کنش فرهنگی (قانون پذیری).



جدول ۴، شاخص‌های ارزیابی کیفیت مدل ساختاری: بررسی ساختاربندی فرهنگی ایرانی بر قانون پذیری

مقدار	سطح	نسبت کای	ریشه	مطلوبیت	مطلوبیت	برازش
۲۰/۷۷	معنی‌داری	به درجه	میانگین	برازش	برازش	هنجار
(chi)	کای	آزادی	مربعات	(Gfi)	تعدیل یافته	یافته
(sig- chi)	(sig- chi)	(chi/ df)	(Rmse)	(AGfi)	(Nfi)	
۰/۰۵۷	۱/۷	۰/۴۸	۰/۹۸۴	۰/۹۵۲	۰/۹۶۳	

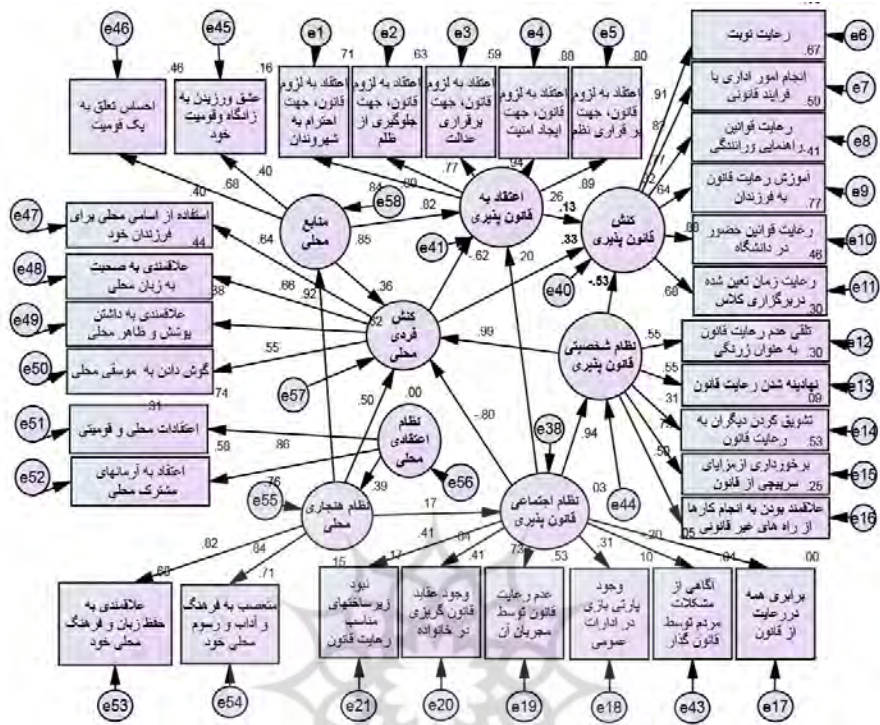
بر اساس اطلاعات به دست آمده از جدول شماره ۴ می‌توان گفت که برآزش داده‌ها به مدل برقرار می‌باشد و در نتیجه از تمامی شاخص‌ها این‌طور استنباط می‌شود که مدل پژوهش برآزش مطلوبی دارد و نیز بر اساس شکل شماره ۶ می‌توان گفت که: کنش فردی ایرانی با ضریب رگرسیونی ۰/۳۴، متأثر از منابع ایرانی با ضریب ۰/۴۹، تأثیر مستقیم بر کنش قانون‌پذیری داشته است. نظام شخصیتی شکل یافته بر مبنای قانون‌پذیری با ضریب ۰/۴۷- با تأثیرپذیری از متغیر نظام اجتماعی تأثیرگذار بر قانون‌پذیری با ضریب رگرسیونی ۰/۵۹، بر کنش قانون‌پذیری تأثیر معکوس داشته است. نظام اعتقادی به قانون‌پذیری نیز با ۰/۱۶، با تأثیرپذیری از متغیر نظام اجتماعی تأثیرگذار بر قانون‌پذیری با ضریب رگرسیونی ۰/۲۹- بر کنش قانون‌پذیری تأثیر مستقیم داشته است.

۴-۶- بین متغیرهای ساختار بندی ایرانی و کنش فرهنگی (قانون‌پذیری)

رابطه وجود دارد.

با توجه به اینکه متغیر ساختار بندی ایرانی و کنش فرهنگی (قانون‌پذیری) به متغیرهای متعدد شاخص بندی شده‌اند، جهت بررسی رابطه بین این متغیرها از معادلات ساختاری استفاده شده است که نتایج آن در شکل ۷ و جدول شماره ۵ نشان داده می‌شود.

شکل ۷، بررسی فرضیه: رابطه بین متغیرهای ساختار بندی محلی و کنش فرهنگی (قانون پذیری).



جدول ۸، شاخص های ارزیابی کلیت مدل ساختاری: بررسی ساختار بندی فرهنگی محلی بر قانون پذیری

مقدار	سطح	نسبت کای	ریشه	مطلوبیت	مطلوبیت	برازش
۱۰/۱۲	(chi)	(sig- chi)	(chi/df)	(Rmsea)	(Gfi)	برازش
۰/۱۸						معنی داری کای
۱/۴۵						به درجه میانگین
۰/۳۸						مربعات
۰/۹۶						(AGfi)
۰/۹۹۲						تعدیل یافته
۰/۹۸۶						(Nfi)

بر اساس اطلاعات به دست آمده از جدول شماره ۵ می توان گفت که برازش داده ها به مدل برقرار می باشد و در نتیجه از تمامی شاخص ها این طور استنباط می شود که مدل پژوهش برازش مطلوبی دارد و نیز بر اساس شکل شماره ۷ می توان گفت که: کنش فردی محلی با ضریب رگرسیونی ۰/۳۳، متأثر از پایبندی به هنجارهای محلی با ضریب ۰/۵۰، و متغیر منابع محلی، با ضریب ۰/۳۶، تأثیر مستقیم بر کنش فردی داشته است و نظام اعتقادی به قانون پذیری با ضریب رگرسیونی ۰/۱۳، متأثر از منابع

محلی/با ضریب ۸۲، و متغیر کنش فردی محلی با ضریب ۶۲. تأثیر مستقیم بر نظام اعتقادی قانون پذیری داشته است و نظام شخصیتی حاکم بر قانون پذیری با ضریب ۵۳- تأثیر معکوس با تأثیرپذیری از متغیر نظام اجتماعی حاکم بر قانون پذیری با ۹۴، برکنش قانون پذیری داشته است.

۵-۶- بین متغیرمداخله گر(زبان) بر تأثیرگذاری ساختاربندی برکنش

قانون پذیری رابطه وجود دارد.

با توجه به متغیرهای ساختاربندی فرهنگی و کنش فرهنگی(قانون پذیری) جهت بررسی رابطه به تفکیک متغیر زبان از ضریب همبستگی استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۶ نشان داده می شود.



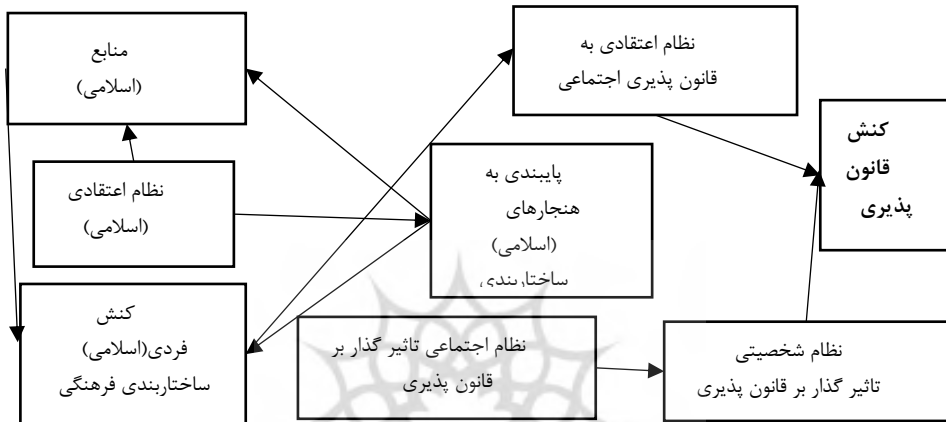
جدول ۶، بررسی تأثیر متغیر قومیت (زبان) بر تأثیرگذاری ساختاربندی فرهنگی بر ساختاربندی کنش فرهنگی (قانون پذیری) بر اساس ضریب همبستگی پیرسون

میزان تأثیر منابع	میزان پایبندی به هنجارها						میزان اعتقاد به قواعد			
	اسلامی	عربی	ملائی	فارسی	ترکی	کردی	اسلامی	عربی	ملائی	
اعتقاد به قانون پذیری	فارسی	۰/۲	-	۰/۲	-	۰/۲۲	-	۰/۲	-	۰/۲
	ترکی	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	کردی	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	لری	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	کیلیگی	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	بلوچی	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	عربی	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	ترکمن	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	مازنی	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	فارسی	-	-	-	-	-	-	-	-	-
تأثیر نظام بر قانون پذیری	ترکی	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	کردی	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	لری	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	کیلیگی	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	بلوچی	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	عربی	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	ترکمن	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	مازنی	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	فارسی	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	ترکی	-	-	-	-	-	-	-	-	-
تأثیر نظام	کردی	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	بلوچی	-	-	-	-	-	-	-	-	-

بر اساس اطلاعات به دست آمده از جدول شماره ۶ می توان گفت که به تفکیک زبانی، در زبان فارسی ساختاربندی فرهنگی: ایرانی ۰/۲۹ و محلی ۰/۱۶، در زبان ترکی: محلی ۰/۳۴، در زبان کردی ۰/۴۳ و لری ۰/۹ بر مبنای ساختاربندی ایرانی در زبان بلوچی ۰/۹۴: ساختاربندی اسلامی، در زبان عربی بر مبنای ساختاربندی اسلامی ۰/۹۸، عربی ۰/۹۸ و محلی ۰/۹۹ و نیز در زبان ترکمنی بر مبنای ساختاربندی اسلامی ۰/۹، ایرانی ۰/۹۷ و محلی ۰/۹۷ کنش قانون پذیری شکل یافته است.

۷- نتیجه گیری

بر اساس اطلاعات به دست آمده در بررسی فرضیه بین متغیرهای ساختار بندی اسلامی و کنش فرهنگی (قانون پذیری) رابطه وجود دارد می توان مدل معادله ساختاری زیر را در جهت تأثیر گذاری ساختار بندی اسلامی بر کنش قانون پذیری ارائه نمود.

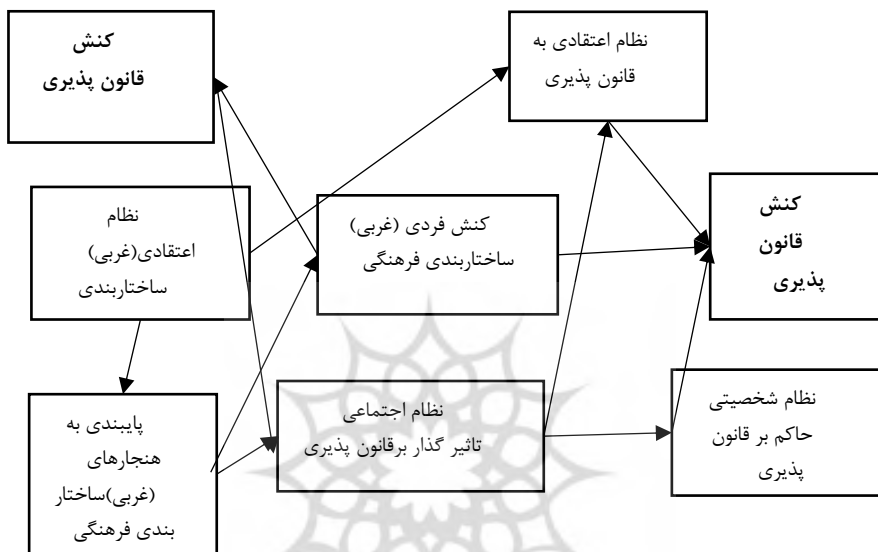


شکل ۸، مدل تأیید شده تأثیر ساختار بندی فرهنگ اسلامی بر کنش قانون پذیری

بر اساس اطلاعات به دست آمده از شکل شماره ۸، مدل مفهومی تأثیر گذاری ساختار بندی فرهنگ اسلامی در نمونه مورد بررسی می توان گفت که تأثیرات نظام اجتماعی در مدل مورد بررسی باعث ایجاد نظام شخصیتی مخالف با قانون پذیری بوده است و باعث تأثیر کمتر ساختار بندی فرهنگ اسلامی بر کنش قانون پذیری می باشد به طوری که صرفاً با تأثیر کنش فردی اسلامی بر اعتقاد به قانون پذیری باعث تقویت کنش قانون پذیری بوده است.

بر اساس نتایج به دست آمده می توان نظریه های پارسونز و پیازه را مرتبط دانست و نیز در خصوص نتایج به دست آمده بر مبنای پیشنهاد تحقیق، می توان گفت که نتایج به دست آمده با نتایج کوان وهم کاران، لانگشروهمکاران، بهاروند و بهروان همسو می باشد که بر اساس آن می توان شاخص های: پیوندهای قواعد، هنجارها و منابع دینی را میزان قانون پذیری دانست، بدین صورت که وجود و پابندی به پیوندهای هنجاری و دینی در تقویت میزان قانون پذیری نقش مؤثری داشته است.

- بررسی فرضیه بین متغیرهای ساختاربندی غربی و کنش فرهنگی (قانون پذیری) رابطه وجود دارد. بر اساس اطلاعات به دست آمده در بررسی فرضیه، می توان معادله ساختاری زیر را در جهت تأثیرگذاری ساختاربندی غربی بر میزان قانون پذیری ارائه داد:



- شکل ۹، مدل تأیید شده تأثیر ساختاربندی فرهنگ غربی بر کنش قانون پذیری

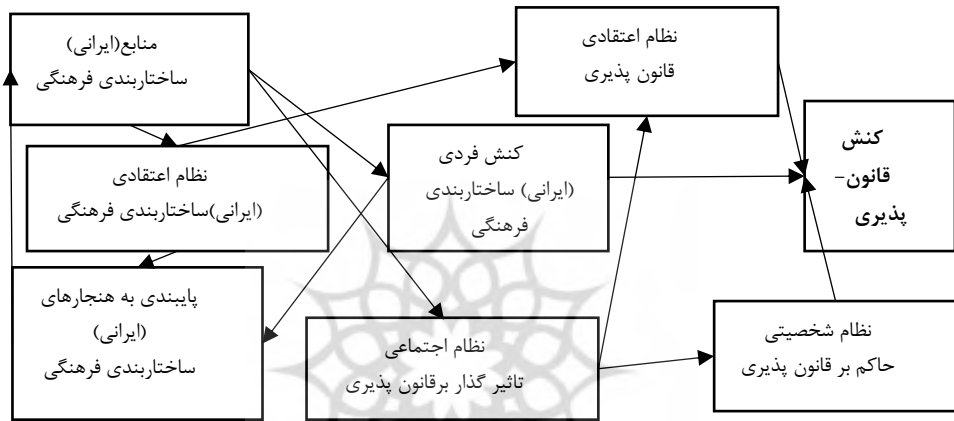
بر اساس اطلاعات به دست آمده از شکل شماره ۹، مدل مفهومی تأثیرگذاری ساختاربندی فرهنگ غربی در نمونه مورد بررسی می توان گفت که: نظام شخصیتی قانون پذیری با تأثیرپذیری از متغیر نظام اجتماعی بر کنش قانون پذیری منفی داشته است. نظام اعتقادی به قانون پذیری، متأثر از تأثیر منفی نظام اجتماعی و تأثیر نظام اعتقادی، بر کنش قانون پذیری تأثیر داشته است و کنش فردی غربی نیز متأثر از تأثیر پایبندی به هنجارهای غربی بر کنش قانون پذیری تأثیر داشته است.

بر اساس نتایج به دست آمده می توان نظریه های فرانسویس آندرسون، مرتون را مرتبط دانست و نیز نتایج پژوهش های جانگر و همکاران، برزگری، حیدری و محسنی تأیید کننده نتایج به دست آمده می باشد که نشانگر تأثیر نظام اجتماعی بر نظام شخصیتی و نظام اعتقادی است. بر اساس نتایج به دست آمده می توان تأثیر نظام

اجتماعی و وجود قواعد حاکم بر آن را در به وجود آمدن نظام شخصیتی متأثر از آن بیان نمود.

-بررسی فرضیه: بین متغیرهای ساختاربندی ایرانی و کنش فرهنگی (قانون پذیری) رابطه وجود دارد.

بر اساس اطلاعات به دست آمده در بررسی فرضیه، می‌توان مدل معادله ساختاری زیر در جهت تأثیرگذاری ساختاربندی غربی بر میزان رعایت فرهنگ شهرنشینی ارائه می‌گردد.



شکل ۱۰، مدل تأیید شده تأثیر ساختاربندی فرهنگ اسلامی بر کنش قانون پذیری

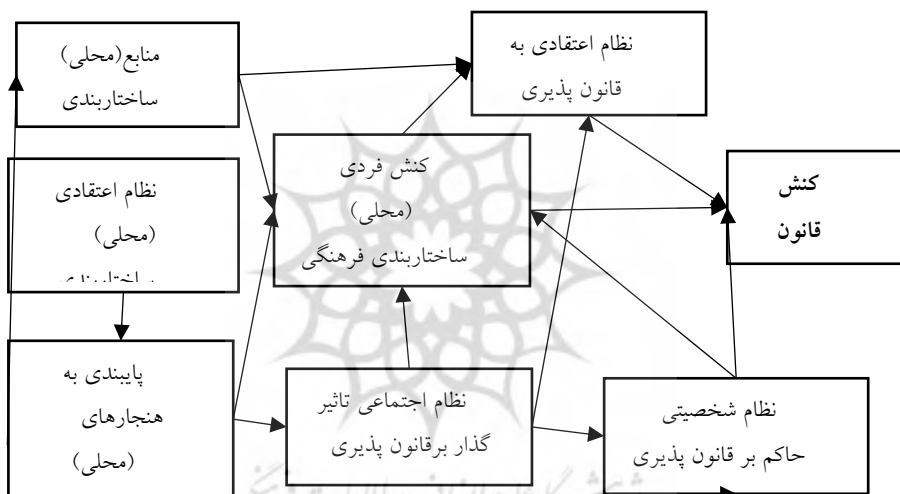
بر اساس اطلاعات به دست آمده از شکل شماره ۱۰، مدل مفهومی تأثیرگذاری ساختاربندی فرهنگی غربی بر کنش قانون پذیری می‌توان چنین بیان نمود که: کنش فردی ایرانی متأثر از منابع ایرانی تأثیر مستقیم بر کنش قانون پذیری داشته است. نظام شخصیتی شکل یافته بر مبنای قانون پذیری با تأثیرپذیری از متغیر نظام اجتماعی تأثیرگذار بر قانون پذیری، بر کنش قانون پذیری تأثیر معکوس داشته است. نظام اعتقادی به قانون پذیری نیز با تأثیرپذیری از متغیر نظام اجتماعی تأثیرگذار بر قانون پذیری بر کنش قانون پذیری تأثیر مستقیم داشته است.

بر اساس نتایج به دست آمده می‌توان نظریه‌های تراوس هیرشی و پارسونز را مرتبط دانست نتایج به دست آمده در تأثیر ساختاربندی فرهنگی ایرانی با نتایج گودفرسون و همکاران بهروان، میرزایی و نیز تحقیقات محسنی، برزگری همسو می‌باشد که نشانگر ارتباط پیوندهای اجتماعی بر مبنای هویت ملی بر تقویت قانون

پذیری و نیز تأثیر نظام اجتماعی بر نظام شخصیتی و نظام اعتقادی در جهت کاهش قانون پذیری می‌باشد. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده و ارتباط آن با چارچوب نظری و پیشینه تحقیق می‌توان گفت هویت ملی و تقویت شاخص‌های فرهنگی آن می‌تواند در میزان قانون‌پذیری نقش مؤثری داشته باشد.

-بررسی فرضیه: بین متغیرهای ساختاربندی محلی و کنش فرهنگی (قانون‌پذیری) رابطه وجود دارد.

بر اساس اطلاعات به‌دست‌آمده در بررسی فرضیه، می‌توان بدین‌صورت مدل معادله ساختاری زیر را در جهت تأثیرگذاری ساختاربندی غربی بر میزان رعایت فرهنگ شهرنشینی ارائه داد:



شکل ۱۱، مدل تأیید شده تأثیر ساختاربندی فرهنگ ایرانی بر کنش قانون‌پذیری

بر اساس اطلاعات به‌دست‌آمده از شکل شماره ۱۱، مدل مفهومی تأثیرگذاری ساختاربندی فرهنگ محلی در نمونه موردبررسی می‌توان گفت که کنش فردی محلی متأثر از پایبندی به هنجارهای محلی است و متغیر منابع محلی تأثیر مستقیم بر کنش فردی داشته است و نظام اعتقادی به قانون‌پذیری متأثر از منابع محلی و متغیر کنش فردی محلی تأثیر مستقیم بر نظام اعتقادی قانون‌پذیری داشته است؛ همچنین نظام شخصی حاکم بر قانون‌پذیری تأثیر معکوس با تأثیرپذیری از متغیر نظام اجتماعی حاکم بر قانون‌پذیری دارد.

بر اساس نتایج به دست آمده می‌توان نظریه‌های بریتویت و کوهن را مرتبط دانست. نتایج پژوهش‌های گودفرسون و همکاران، بهداروند، میرزایی، حیدری، برزگری و محسنی تأیید کننده نتایج به دست آمده می‌باشد که نشانگر تأثیر پیوندهای مشترک محلی بر تقویت قانون پذیری و نیز تأثیر نظام اجتماعی بر نظام شخصیتی و نظام اعتقادی در جهت کاهش قانون پذیری می‌باشد. بر اساس نتایج به دست آمده و ارتباط آن با چارچوب نظری و پیشینه تحقیق می‌توان گفت پیوندهای مشترک محلی و شاخص‌های فرهنگی آن در میزان قانون پذیری این گروه نقش مؤثری داشته است.

پیشنهادها و توصیه‌ها:

- پیشنهاد می‌گردد که در تحقیقات آتی به تأثیر متغیرهای مداخله‌گر بیشتر در رابطه بین متغیرها مدنظر قرار گیرد و در جامعه آماری‌های دیگر نیز بررسی شود و نتایج آن مقایسه گردد و نیز پیشنهاد می‌گردد که جهت بررسی اهداف تحقیق از روش‌های کیفی دیگر از جمله گرند تئوری، تحلیل گفتمان نیز استفاده گردد.

پیشنهادهای کاربردی:

- تقویت نظام شخصیتی قانون پذیری (ترویج فعالیت‌های جمعی و پذیرش قانون در فرایند اجتماعی شدن) با قانونمند کردن ساختار نظام اجتماعی (افزایش اعتماد به روحانیون، تولیدکنندگان، فروشندگان، همشهریان، همکاران، مسئولین دانشگاه، مسئولین دولتی) با بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و سامانه‌های متناسب.

- تقویت نظام اعتقادی قانون پذیری (تقویت علاقه‌مند بودن به عزت ملی کشور، تقویت علاقه‌مندی در جهت افزایش وحدت و همبستگی ملی و تقویت فعالیت‌های جمعی) در فرایند اجتماعی شدن در خانواده، مدرسه، دانشگاه و رسانه‌های اجتماعی.

- در بین افراد متمایل به ساختاربندهی فرهنگ اسلامی جهت افزایش میزان قانون پذیری، قانونمندی‌سازی کنش‌های فردی اسلامی (گسترش و ترویج قرآن، ترویج استفاده از اسامی مذهبی برای فرزندان، ترویج پوشش اسلامی بر مبنای تقویت قانون‌مند منابع اسلامی) شامل: ساماندهی و ترویج زیارت اماکن مقدس، ترویج و مانع‌زایی جهت حضور در مسجد و هیئت‌های مذهبی، ترویج سبک زندگی اسلامی.

- در بین افراد متمایل به ساختاربندهی فرهنگ غربی تقویت اعتقاد به قانون‌پذیری به عنوان یک قرارداد اجتماعی جهت برقراری نظم، امنیت و عدالت اجتماعی در فرایند اجتماعی شدن در خانواده، مدرسه، دانشگاه و رسانه‌های اجتماعی.

-در بین افراد متمایل به ساختاربندی فرهنگ ایرانی جهت افزایش میزان قانون‌پذیری، تقویت نظام اعتقادی قانون‌پذیری (تقویت علاقه‌مند بودن به عزت ملی کشور، تقویت علاقه‌مندی در جهت افزایش وحدت و همبستگی ملی و تقویت فعالیت‌های جمعی) با کنترل تأثیرات نظام اجتماعی (افزایش اعتماد به روحانیون، تولیدکنندگان، فروشندگان، همشهریان، همکاران، مسئولین دانشگاه، مسئولین دولتی) و تقویت کنش‌های ساختاربندی فرهنگ ایرانی (تقویت زبان فارسی، ترویج پوشش‌های سنتی ایرانی و ترویج موسیقی ایرانی) با تقویت منابع ایرانی (تقویت رسوم شب یلدا، رسوم مربوط به چهارشنبه‌سوری و عید نوروز)

-در بین افراد متمایل به ساختاربندی فرهنگ محلی جهت افزایش میزان قانون‌پذیری، تقویت نظام اعتقادی قانون‌پذیری با تقویت منابع محلی از جمله (تقویت عناصر مادی و معنوی فرهنگ محلی و تقویت زبان‌های محلی) و کنش‌های فردی محلی (ایجاد مجوزهای لازم جهت استفاده از اسامی محلی برای نام‌گذاری، ترویج پوشش و موسیقی‌های محلی) و نیز تقویت نظام هنجاری (شناساندن داستان‌ها، قهرمان‌ها، فولکورهای، طب سنتی محلی)



فهرست منابع

منابع فارسی:

- اشرف، ا. (۱۳۹۵). هویت ایرانی؛ از دوران باستان تا پایان پهلوی، به همراه دو مقاله از: گرادو نیولی و شاپور شهبازی. تهران: نی.
- بزرگری، ف.، & چهارگنبدی، ح. (۱۳۹۲). بررسی میزان قانونگریزی و عوامل مؤثر بر آن در شهر کرمان. فصلنامه دانش انتظامی، سال ۴، شماره ۵، ۶۳-۷۷.
- بهروان، ح.، & بهروان، ن. (۱۳۹۰). علل جامعه‌شناختی رانندگی پرخطر در مشهد. مجله مطالعات امنیت اجتماعی، ۲۸، ۱۰۹-۱۴۲.
- پیراھری، ن. (۱۳۹۹، بهار). بررسی رابطه عوامل فرهنگی و اجتماعی با قانون‌گریزی در شهر سمنان. انتظام اجتماعی، بهار ۱۳۹۹، دوره ۱۲، شماره ۱، ۱۶۲-۱۴۱.
- چلبی، آ. (۱۳۹۸). فساد و مقبولیت قانون: از منظر جامعه‌شناسی حقوقی (جلد ۹). تهران: نشرنی.
- چلبی، م. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم، تهران. تهران: نشر نی.
- حیدری، آ.، رضادوست، ک.، & فروتن کیا، ش. (۱۳۹۱). نظریه از هم گسیختگی نهادی و قانونگریزی مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز. فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال سوم، شماره ۲، ۳۹-۵۹.
- رابینگتن، ا.، & مارتین واینبرگ. (۱۳۸۲). رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی. (ر. صدیق سروستانی، مترجم) تهران: سروش.
- رفیع پور، ف. (۱۳۷۸). آنومی یا آشفتگی اجتماعی: پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران،، تهران: انتشارات سروش.
- ریتزر، ج. (۱۳۸۹). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. (م. ثلاثی، مترجم) تهران: انتشارات علمی چاپ شانزدهم.
- سوهانیان حقیقی، م.، فولادیان، م.، & اکبری، ح. (۱۳۹۸). تحلیل تطبیقی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی و قانون شکنی در استان‌های ایران مبتنی بر منطق فازی. مجله جلاعه‌شناسی ایران، دوره بیستم، شماره ۴، ۳-۳۲.
- سیدمن، ا. (۱۳۸۸). کشاکش آرا در جامعه‌شناسی. (ه. جلیلی، مترجم) تهران: نشرنی، چاپ دوم.
- شجایی زند، ع. (۱۳۷۹). نظم ستیزی و قانونگریزی. ۱۴، ۳۲-۳۴.

- شربتیان، م.، ج.، جازنشیری، ج.، & عمرانی، م. (۱۴۰۰). تحلیل رابطه جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی مورد مطالعه: جوانان ۲۰ تا ۳۴ ساله مناطق شهر مشهد. *انتظام اجتماعی*. دوره ۱۳ شماره ۲، ۸۱-۱۱۴.
- شلاپنتوخ، و. (۱۳۹۵). *نظم اجتماعی در جامعه معاص*. (ا. صارمی شهاب، مترجم) نشریه جامعه‌شناسان، چاپ اول.
- صداقت، ک. (۱۳۸۴). *بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر قانون‌گریزی و قانون‌گرایی شهروندان تبریزی*. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان.
- علیوردی نیا، ع. ا. (۱۳۷۸). *مطالعه جامعه‌شناختی میزان قانون‌ستیزی در مازندران*. مجموعه مقالات قانون‌گرایی و فرهنگ عمومی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فتح الهی، ج.، & دیگران. (۱۳۷۸). *ایجاد روحیه قانون‌پذیری*. مجموعه مقالات همایش قانون‌گرایی و فرهنگ عمومی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کریمی، ف.، & نوابخش، م. (۱۳۹۷). *قانون‌گریزی و عوامل فرهنگی اجتماعی مؤثر بر آن مورد مطالعه: جوانان ۲۹-۱۸ ساله شهر مریوان*. فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، ۳۶، ۹۷-۱۲۱.
- محسنی، ر. (۱۳۹۱). *تحلیل جامعه‌شناختی قانون‌گریزی و راهکارهایی برای قانون‌گرایی و نظم عمومی*. *مجله نظم و امنیت انتظامی*، بهار، دوره ۵، شماره ۱ (پیاپی ۱۷)، ۸۳-۱۰۸.
- محسنی، م. (۱۳۷۹). *بررسی آگاهی‌های، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران*. تهران: تهران: دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور.
- معیدفر، س. (۱۳۷۹). *تبیین جامعه‌شناختی تقدم مصالح فردی بر مصالح جمعی در ایران*. مجموعه مقالات بررسی علل و عوامل تقدم مصالح جمعی بر منافع فردی، تهران.
- میرزایی، ا.، احمدی، ی.، بخارایی، ا.، & نایبی، ه. (۱۳۹۶). *قانون‌گریزی و پیوندهای اجتماعی: مطالعه موردی: شهر اهواز ۱۳۹۶*. نشریه جامعه‌پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هشتم، شماره سوم، ۳۱-۶.

منابع انگلیسی:

- Blau, P. M. (۱۹۶۴). *Exchange and Power in Social Life*. New York: John Wiley and Sons.
- Bourdieu, P. &. (۱۹۷۹). *The Inheritors: French Students and their Relations to Culture*. Chicago: University of Chicago Press.
- Braithwaite, J. (۱۹۸۹). *Crime, Shame and Reintegration*. New York: Cambridge University.

- Chambliss, W., & Seidman, R. (۱۹۷۱). Law, Order, and Power, Reading, Mass. New York: Addison Wesley.
- Cohen, A. (۱۹۹۵). Delinquent Boys: The Culture of the Gang. New York.
- Giddens, A. (۱۹۸۴). The Constitution of Society: Outline of the Theory of Structuration. California: Berkeley University of California Press.
- Giddens, A. (۱۹۸۹). Sociology.
- Goffman, E. (۱۹۸۱). Forms of talk. Oxford: Basil Blackwell.
- Gottfredson, M., & Hirschi, T. (۱۹۹۰). A general theory of crime. Standford: Standford University Press.
- Hirschi, T. (۱۹۹۹). Causes of Delinquency, Berkeley and Los Angeles.: University of California.
- Junger, M., & Haen Marshall, I. (۱۹۹۷). The inter-ethnic generalizability of social control theory: An empirical test. Journal of Research in Crime and Delinquency, ۳۴, ۷۹-۱۱۲.
- Lawson, T., & Heaton, T. (۱۹۹۰). Crime and Deviance.
- Longshore, D., Chang, E, Hsieh, S, Hsieh, S., & Messina., N. (۲۰۰۴). Self-control and social bonds: A combined control perspective on deviance. ۵۴۲-۵۶۴.
- Luo Xin, Q. (۲۰۰۸). On Law-abiding and Religion. Journal of Guanxi youth leaders college, ۲, ۸۴-۸۵.
- Mann, M. (۱۹۸۳). (۱۹۸۳) Encyclopedia of Sociology. london: Mac Millan Press.
- William, J. (۱۹۹۳). Critique of Pure Reason. (V. Politics, Ed., & Meiklejohn, Trans.) London: Everyman's Library.

References:

- Ashraf, A. (۲۰۱۵). Iranian Identity; From ancient times to the end of Pahlavi, along with two articles by: Gerardo Newly and Shapour Shahbazi. Tehran: Ney.
- Barzegari, F., & Chahargonbadi, H. (۲۰۱۲). Investigating the level of legislation and factors affecting it in Kerman city. Police Science Quarterly, Year ۴, Number ۵, ۶۳-۷۷.
- Behrvan, H., & Behrvan, N. (۱۳۹۰). Sociological causes of risky driving in Mashhad. Journal of Social Security Studies, ۲۸, ۱۰۹-۱۴۲.
- Blau, P. M. (۱۹۶۴). (Exchange and Power in Social Life. New York.: John Wiley and Sons.
- Bourdieu, P. &. (۱۹۷۹). The Inheritors: French Students and their Relations to Culture. Chicago: University of Chicago Press.
- Braithwaite, J. (۱۹۸۹). Crime, Shame and Reintegration. New York: Cambridge University.
- Pirahari, N. (۲۰۱۹, Spring). Investigating the relationship between cultural and social factors and lawlessness in Semnan city. Social Order, Spring ۲۰۱۹, Volume ۱۲, Number ۱, ۱۴۱-۱۶۲.
- Chalabi, A. (۲۰۱۸). Corruption and acceptability of law: From the perspective of legal sociology (Volume ۹). Tehran: Nashrani.
- Chalabi, M. (۱۳۷۵). Sociology of order, Tehran. Tehran: Ney Publishing.
- Chambliss, W., & Seidman, R. (۱۹۷۱). Law, Order, and Power, Reading, Mass. New York: Addison Wesley.
- Cohen, A. (۱۹۹۵). Delinquent Boys: The Culture of the Gang. New York.

- Giddens, A. (۱۹۸۴). *The Constitution of Society: Outline of the Theory of Structuration*. California: Berkeley University of California Press.
- Giddens, A. (۱۹۸۹). *Sociology*.
- Goffman, E. (۱۹۸۱). *Forms of talk*. Oxford: Basil Blackwell.
- Gottfredson, M., & Hirschi, T. (۱۹۹۰). *A general theory of crime*. Stanford: Stanford University Press.
- Heydari, A., Rezaoust, K., & Fortunkia, Sh. (۲۰۱۱). The theory of institutional disintegration and lawlessness, a case study: students of Shahid Chamran University of Ahvaz. *Iranian Social Issues Quarterly*, third year, number ۲, ۲۹-۵۹.
- Hirschi, T. (۱۹۹۹). *Causes of Delinquency*, Berkeley and Los Angeles: University of California.
- Junger, M., & Haen Marshall, I. (۱۹۹۷). The inter-ethnic generalizability of social control theory: An empirical test. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, ۳۴, ۷۹-۱۱۲.
- Lawson, T., & Heaton, T. (۱۹۹۰). *Crime and Deviance*.
- Longshore, D., Chang, E, Hsieh, S, Hsieh, S., & Messina, N. (۲۰۰۴). Self-control and social bonds: A combined control perspective on deviance. ۵۴۲-۵۶۴.
- Luo Xin, Q. (۲۰۰۸). On Law-abiding and Religion. *Journal of Guanxi youth leaders college*, ۲, ۸۴-۸۵.
- Robbington, A., & Martin Weinberg. (۱۳۸۲). *Seven theoretical approaches in examining social issues*. (R. Sediq Sarostani, translator) Tehran: Soroush.
- Rafipour, F. (۱۳۷۸). *Anomie or social disorder: a research on the potential of anomie in Tehran*. Tehran: Soroush Publications.
- Ritzer, J. (۱۳۸۹). *Sociological theories in the contemporary era*. (M. Talasi, translator) Tehran: Scientific Publications, ۱۱th edition.
- Sohanian Haghghi, M., Fuladiyan, M., & Akbari, H. (۲۰۱۸). Comparative analysis of factors affecting lawlessness and lawbreaking in Iranian provinces based on fuzzy logic. *Iranian journal of epidemiology*, ۲۰th volume, number: ۴, ۳-۳۲.
- Seidman, A. (۱۳۸۸). *Conflict of votes in sociology*. (H. Jalili, translator) Tehran: Nashrani, second edition.
- Shejaei Zand, A. (۱۳۷۹). Discipline and lawlessness. ۱۴, ۳۲-۳۴. Sharbatian, M., Jaranshiri, J., & Omrani, M. (۱۴۰۰, summer). Analysis of the sociological relationship of factors affecting lawlessness studied: ۲۰ to ۲۴-year-old youth in Mashhad. *Social Order*, Volume ۱۲, Number ۲, ۸۱-۱۱۴.
- Shlapantukh, and (۲۰۱۵). *Social order in Maas society*. (A. Sarmi Shahab, translator) *Journal of Sociologists*, first edition.
- Sedaghat, K. (۱۳۸۴). Investigating the social and cultural factors affecting the lawlessness and legalism of Tabrizi citizens. Faculty of Social Sciences, University of Isfahan.
- Alivardinia, A. A. (۱۳۷۸). *A sociological study of the level of lawlessness in Mazandaran. A collection of articles on legalism and public culture*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Fath Elahi, J., & others. (۱۳۷۸). *Creating a law-abiding spirit*. Proceedings of the Conference on Legalism and Public Culture. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.

- Karimi, F., & Navabakhsh, M. (۲۰۱۷). Law evasion and socio-cultural factors affecting it. Case study: ۱۸-۲۹-year-old youth of Marivan city. *Intercultural Studies Quarterly*, ۳۶, ۹۷-۱۲۱.
- Mann, M. (۱۹۸۳). (۱۹۸۳) *Encyclopedia of Sociology*. London: Mac Millan Press.
- Mohseni, R. (۲۰۱۱). Sociological analysis of legalism and solutions for legalism and public order. *Journal of Police Order and Security*, Spring, Volume ۶, Number ۱ (۱۷ series), ۸۳-۱۰۸.
- Mohseni, M. (۱۳۷۹). Investigating social-cultural awareness, attitudes and behaviors in Iran. Tehran: Tehran: Secretariat of the Public Culture Council of the country.
- Moidfar, S. (۱۳۷۹). - Sociological explanation of the priority of individual interests over collective interests in Iran. A collection of articles examining the causes and factors of the priority of collective interests over individual interests, Tehran.
- Mirzaei, A., Ahmadi, Y., Bokharai, A., & Naibi, H. (۲۰۱۶). Lawlessness and social ties: a case study: Ahvaz city, ۲۰۱۶. *Socio-Cultural Research Journal*, Humanities and Cultural Studies Research Institute, ۸th year, ۲rd issue, ۳۱-۶.
- William, J. (۱۹۹۳). *Critique of Pure Reason*. (V. Politics, Ed., & Meiklejohn, Trans.) London: Everyman's Library.

